

۳- شمن‌ها و برهمن‌ها (نبرد ارواح):

شمن‌ها جادوگران قبایل بت‌پرست سیبری و مغولها بودند و برهمن‌ها راهبه‌های آئین کهن هندوها هستند، برهمن‌ها به خدایان سه گانه برهما (آفریدگار جهان)، بشنو (حافظ جهان) و شیوا (مخرب جهان) اعتقاد دارند. فساد و سازندگی در روانهای آدمیان را کار این خدایان می‌دانند. شمن‌ها در میان قبایل خود به مداوا، سحر و تسخیر ارواح می‌پرداختند: شمن دارای این قدرت بود که از جسم خود به درآید و به کمک روحی که حافظ اوست به قلمرو ارواح قدم گذارد و در آنجا ارواحی را که موجب بیماری و شوم بختی فرد شده‌اند از میان بردارد. بدین ترتیب مداوای روحی شمن‌ها متوجه رفع علت که همان ارواح خبیثه‌اند می‌شد. نحوه تفکر شمن‌ها در میان قبایل جهان در نقاط مختلف پراکنده است. مثلاً دو مستشرق سوئدی هلمر و واسن مجموعه اشعاری که در حدود ۵۳۵ مصرع می‌شود از شمن‌های مجمع الجزایر کنها در اقیانوس آرام ترجمه کرده‌اند که برای کمک رساندن به زایمانهای مشکل مورد استفاده قرار می‌دهند. در جریان این مداوا از دو زیر بنای اساسی در درمان استفاده می‌شود یکی تلقین و دیگری توجه به علت:

اشعار با آواز خوانی همراه است، در ابتدای آواز، زنی که در حال زایمان است به ماما اقرار و اعتراف می‌کند و می‌گوید: (حقیقت اینست که من لباس سوزانی از درد پوشیده‌ام، من نیز با تو همدردم. (شمن با ظرافت و دقت زیادی که امروز در هیپنوتیزم کردن بکار می‌بریم وضعیت را با کلماتی که سرشار از هیجان است برای زائو توصیف می‌کند و تکرار می‌نماید:

- ماما به خانه میاید و میرود.....

- ماما یک پایش را بزمین میگذارد...

- ماما پای دیگرش را به جلو میگذارد.....

بدین ترتیب بیمار متوجه حوادثی میشود که در اطرافش اتفاق می‌افتد آنگاه شمن از جسم بیمار می‌گذرد و به دنیای ارواح وارد می‌شود تا از ارواح شفا دهنده و درمان کننده یاری گیرد. نکته با اهمیت اینست که شمن اشعار را با آهنگی پرتحرک و پرهیجان می‌خواند و میان وضعیت دردناک بدنی با دنیای ارواح و افسانه‌ای هر چه بیشتر ارتباط برقرار می‌سازد. میان

دردهائی که بیمار احساس می‌کند و نبردیکه روح با عفریت‌های^۱ درد آفرین می‌نماید رابط علت و معلولی می‌یابد.

بنا به اعتقاد مردم کنها هر عضوی از بدن دارای نیروی حیاتی یا (پوربای)^۲ ویژه‌ایست در موقع زایمان پوربای رحم پوربای اعضا دیگر را در بند خود می‌آورد. وظیفه شمن آنست که این پورباها را آزاد کند و نظم طبیعی را برقرار سازد. پس از آن همه تلقین طولانی اشعار با ظرافت و دقت خاصی که آغاز شده بود خاتمه می‌پذیرد، پورباها آزاد می‌شوند و بجای خود برمی‌گردند. بدین ترتیب مداوای شمن به اعتقادات علمی ما در مداوای روانی - بدنی^۳ نزدیک است. هر چند برای مفاهیمی مانند پوربا، روح دشمن، نیروی محافظ... شاهد علمی نداشته باشیم اما برای توجیه درد، بازگرداندن آرامش و جوش دادن روحیه فرد با روحیه جمعی و گروهی قبيله نتیجه بخش است. در تصورات مردم کنها میان روح زنی که سخت می‌زاید و روح قبيله جدائی و ناراحتی هائی بوجود آمده است و از کارهای شمن آنست که این روح ناآرام و سرگردان را به نظام گروهی و جمعی برگرداند.

ما نمی‌توانیم کارهای شمن‌ها را با تقسیم بندیهای رواندرمانی‌های خود بسنجیم مثلاً آنها را آرامش بخش و برطرف سازنده درد بدانیم یا تلقینی و تحلیلی بشماریم و یا از نوع مداوای علت و معلولی به حساب آوریم زیرا در تلقین‌ها، شمن، هم به علت توجه دارد هم به تحلیل می‌پردازد و هم به آرامش منتهی می‌شود این همه را یک جا و درهم دارد. لوی استروس^۴ کارهای درمانی شمن‌ها را حد فاصل میان درمانهای طبی و درمانهای روانکاو می‌داند. استروس یادآوری می‌کند که اگر برای یک مریض توضیح دهید که علت بیماری تو فلان میکروب و یا فلان ویروس است بهبودی حاصل نمی‌کند اما وقتی بیماری او را بعلت جنگ و جدال عفریت‌های افسانه‌ای توضیح دهند حالش خوب می‌شود. به کسانی که اعتراض می‌کنند که میکروب وجود دارد ولی عفریت‌های افسانه‌ای وجود ندارد باید گفت: روابط میکروب - بیماری رابطه‌ای بیرونی و برای بیمار حالتی انتزاعی دارد اما رابطه عفریت - بیماری درونی است و برای تصورات آگاه و ناآگاه^۵ بیمار رابطه‌ای سمبلیک است.

¹ Demon

² Purba

³ Psychosomatique

⁴ Eclaupe Ievi. Strauss (کتاب ساختهای مقدماتی خویشاوندی)

⁵ Consciences, Inconsciences

شیوه‌های درمانی شمن‌ها:

۱- شمن به اعضاء دردمند بیمار دست می‌زند و در همان حال چنان رفتار می‌کند که گویی بیماری را تنفس می‌نماید و این کارها با مقدماتی شروع می‌شود که زودبآوری بیمار را تشدید نماید. در لحظات حساس که بیمار از لحاظ روانی مسحور شمن شده است: بیماری را با یک یا چند عدد خار، نیش و دندان حیوانات درنده، نیش مار و پر یا چنگال حیوانات وحشی می‌نمایاند. هم‌زمان با این آداب توضیحاتی درباره علت بیماری می‌دهد و عامل آن را جادوگران و یا والدین بدخواهی می‌داند که تیر سمی و یا پنجه حیوان را در بدن بیمار وارد ساخته‌اند و کار شمن آنست که به کمک ارواح آنها را بیرون سازد.

۲- بیمار و تمام اقوام نزدیکش در یک نبرد صحنه سازی شده شرکت دارند. شمن با دخالت در دنیای ارواح نبرد را هدایت می‌کند. صحنه نبرد یا در خانه بیمار یا خانه شخصی شمن و یا در هوای آزاد ترتیب داده می‌شود.

۳- نوع دیگر از درمان بوسيله شمن‌های بومیان آمریکای شمالی انجام می‌شود. این نوع درمان را هنر درمانی می‌توان گفت: شمن نقاشی پیچیده‌ای روی شن ترسیم می‌کند آنگاه بیمار را بر بستر نقاشی شده می‌خواباند و شروع به تعبیر و تفسیر نقش و نگارهای نقاشی می‌پردازد. آنقدر ادامه می‌دهد تا بیمار شفا یابد.

چگونه شمن یا روان‌درمان می‌شویم؟

چگونگی تربیت و آماده‌سازی روان‌درمانان از مسائل اساسی است. شمن‌ها نیز مانند مکاتب روان‌درمانی عصر ما با داشتن قواعد، مفاهیم، کارآموزیها، مراسم و آداب ویژه‌ای اعضاء جدید خود را تربیت و آماده می‌کردند. در اینجا نمونه‌ای از آن را با برخی از ضوابطی که برای تربیت روانکاو است مقایسه می‌کنیم. یادآور می‌شویم که چنین مقایسه‌ای به منظور نشان دادن تشابه روندهای اعمال آدمیان است در روزگاران گذشته با آنچه که امروز به آن دست می‌زنیم و گر نه در همین مجموعه به روشنی تفاوت‌های بی‌شمار این مسائل توضیح داده شده است.

یکی از ویژگیهای داوطلبین روانکاو است که به یک نشانه روان‌زندی^۱ مبتلا باشد و گر نه کیفیت کار با او ارزشمند نخواهد بود. در واقع داوطلب با تحلیل ناراحتی‌های روانی خود به شناخت دنیای ناخودآگاه خویش اقدام می‌کند و به تصفیه و حل ناراحتی‌ها می‌پردازد.

^۱ Symptomes Nevrotiques

از آنجا که تقریباً ۸۰٪ مردمان حداقل به یک نشانه روان‌زندی خفیف مبتلا هستند یافتن چنین داوطلبانی دشوار نیست. فروید نیز سرشار از حالات روان‌زندی بود. در غیر این صورت شاید هنوز ما در حال کشف روان‌کاوی بودیم.

یکی از مردمان هند که می‌خواستند شمن بشود و در عین حال نسبت به تعلیم و تربیت شمن‌ها و اعتقاد به آنها در شک و انتقاد بوده است. جریان شمن شدن خود را چنین شرح می‌دهد:

در نخستین جلسات مخلوطی از تعلیمات نمایشی و مداوای پزشکی ارائه می‌شود. شمن باید نقش ارواح محافظ را بازی کند. خود را به غش و ضعف بزند خیال نماید که دچار یک بحران عصبی شده است عمداً استفراغ نماید آوازهای جادوگرانه بخواند و علاوه بر اینها باید مهارت‌های مامائی و معاینه بیماران را با دست یاد بگیرد. طریقه‌های درمان برحسب تجربه و شخصیت شمن‌ها تغییر می‌کند. یکی از آنها چنین بود که شمن پری را در دهان پنهان می‌کند آنگاه لثه‌های خود را به شدت می‌مکد تا خون آلود شود آنگاه پر خون آلود را که بشکل کرمی سرخ رنگ در آمده است تف می‌کند و بدین وسیله بیماری را بیرون می‌اندازد. برخی از شمن‌ها بیماری را بصورت انسانی می‌پندارند که اگر روح آن را تسخیر نمائیم جسم آن از میان می‌رود. تف کردن و نمایش آن به بیمار برای آنست که به او گفته شود که روح بیماری تو را تسخیر کردم و جسم آن را تف کردم و بیرون انداختم.

باوری به اینکه اگر بیماری را برای بیمار مشخص کنیم و به او نشان دهیم که کیفیت و کمیت بیماری او چگونه است او شفا می‌یابد، بی‌شک به آنچه که در نظریه‌های روانشناسی ژرفنگر^۱ انجام می‌شود نیست: فروید، آدلر، یونگ و فرانک می‌کوشند بیمار را هدایت نمایند تا علت بیماری مثلاً^۲ عقده اودیپ^۳ و یا عقده حقارت^۴ را در خود بازشناسد علت‌یابی کند این آگاهی از فرآیندهای ناآگاه موجب بهبود می‌شود. از هدفهای روان‌کاوی آموزشی^۴ که برای تربیت روان‌کاوان بکار برده می‌شود آنست که فردی را که می‌خواهد در آینده روان‌کاو گردد از محتوی و طرز کار ناآگاهی آگاه سازند و در او تصویری واقعی از خویشتن بوجود آورند.

^۱ Psychologie des profondeurs

^۲ Complexe d'Oedipe

^۳ Complexe d'infériorité

^۴ Analyse didactique

خودکاوی^۱ که مرحله نهایی روانکاوی آموزشی است فرد را مسخر خود می‌سازد و این تسخیر است که به تسخیر و تحلیل ناراحتی درونی دیگران می‌انجامد. با این همه میان طریقت شمن‌ها و طریقت روانکاوان تفاوت‌های اساسی است: روانکاو "من" را جانشین توهمها، امیال و هیجانهای سرکش "نهاد" می‌کند. در حالی که شمن فرد را مسخر ارواح گذشتگان می‌سازد در واقع "من" او را با تلقینات خویش در اختیار ارواح خیالی قبیله می‌گذارد و او در آن دنیا خود را موفق و کامیاب می‌یابد.

نکته‌ایکه بیش از هر چیز در روانکاویهای جدید، مثلاً در نظر لاکان^۲ با اهمیت به چشم می‌خورد توجه به جنبه تخیلی و سمبلیک انسان است. بررسی‌های مردم‌شناسی و روانکاو نشانگر آنست که انسان پیش از آنکه شناخت علمی از خود پیدا کند، در واقع حیوانی نمادین بوده است. می‌توان با کاسیر^۳ هم عقیده شد که: عقلانی بودن انسان و استدلالات عقلانی چیزی جز تعبیرها و تفسیرهای سمبلیک نیست مانند تفسیرهای هنری و افسانه‌ای که آفریده تلاشهای تخیلی و سمبلیک انسان است علوم نیز مجموعه‌ها و نظامهای سمبلیک‌اند که کاربرد آنها در عمل با موفقیت همراه است کار شمن‌ها نمایانگر تلاشهای نخستین انسان برای سمبل‌سازی و کاربرد سمبل‌ها در ارتباط با جهان است. در دنیای شمن سمبل‌ها تحول و تکوین آدمی را بعهدده دارند. شمن‌ها از دنیای سمبلیک انسان همان استفاده را برای درمان می‌کردند که امروز در اکثر شیوه‌های روان‌درمانی استفاده می‌کنیم با این همه باید گفت میان یک کارد فولادی و یک کارد سنگی تفاوت بسیار است اگر چه هر دو می‌برند...

۴- افسانه‌ها، آداب، عقاید و طبابت

کمتر جامعه‌ایست که دارای مجموعه‌ای از افسانه‌ها، اعیاد و جشنهای سنتی، رقصهای دسته جمعی و سرودهای ملی نباشد. میهن کهنسال ما یکی از نمونه‌های بسیار غنی از آداب و عقاید و عادات قومی، قبیله‌ای، مذهبی و ملی است که با تظاهرات، تشریفات، مراسم و سنتهای خانوادگی و اجتماعی همراه است و بصورت تاترها، شبیه‌سازیها، عزاداریها، میهمانیها،

^۱ Autoanalyse

^۲ Lacan، لاکان روانکاو و فیلسوف معاصر فرانسوی است. نظریه او در مورد واقعیت، سمبل و خیال را در بخشهای آینده تشریح خواهیم کرد.

^۳ Ernest Cassirer نویسنده کتاب Essay on man چاپ New Haven